

خاله نوشتا

میترا داور

سرشناسه: داور، میترا، ۱۳۴۴ -
عنوان و نام پدیدآور: خاله نوشا/ میترا داور؛ [ترجمه مهرپویان میرچی].
مشخصات نشر: تهران: پر، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری: ۱۲۸ ص؛ ۱۴×۲۱×۵ س.م.
شابک: 978-600-8137-55-9

وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: فارسی - آلمانی.
یادداشت: ص.ع. به آلمانی: Mitra Davar. Tante nuscha.
موضوع: داستان‌های کوتاه فارسی - قرن ۱۴
موضوع: Short stories, Persian - 20th century
موضوع: داستان‌های کوتاه آلمانی - قرن ۲۰.
موضوع: Short stories, German - 20th century
شناسه افزوده: میرچی، مهرپویان، ۱۳۴۴ - مترجم
رده بندی کنگره: PIR ۱۳۹۶۸۰۴۱ خ ۲ / ۹۵ الف
رده بندی دیویی: ۶۲۳۶۸
شماره کتابشناسی ملی: ۴۷۳۵۳۹۴



خاله نوشا (فارسی - آلمانی)



انتشارات پَر

- نویسنده: میترا داور
- برگردان: مهرپویان میرچی
- صفحه‌آرایی: منیر علیزاده
- چاپ اول: ۱۳۹۶
- تیراژ: ۱۱۰ نسخه
- قیمت: ۱۰,۰۰۰ تومان
- شابک: ۹-۵۵-۸۱۳۷-۶۰۰-۹۷۸ ISBN: 978_600_8137_55_9

• آدرس: خ لبافی نژاد، بین خ دانشگاه و فخررازی، پلاک ۱۷۴ واحد ۳

تلفن: ۰۹۱۲۳۰۲۵۲۰۵ - ۶۶۴۶۶۹۶۵ - ۶۶۴۶۶۳۶۰

WWW.ParNashr.ir

فهرست

- ۵ درباره‌ی نویسنده
- ۷ درباره‌ی بازگردان
- ۱۱ پوتین‌های سربازی
- ۱۳ نمیتونم بکشم
- ۱۷ بازمانده
- ۱۸ گاو
- ۱۹ ستاره‌ها ترسناکند
- ۲۰ خاله نوشا
- ۳۴ عینک سه بعدی
- ۴۰ سونامی
- ۴۸ من هفت تا برمی دارم
- ۵۰ ای کاش
- ۵۱ خلاقیت

۵۲.....تو نمی تونی هر جور بخوای عکس بگیری

۵۵.....قفسه ی دوم.....

۵۹.....آن سوی سیم خاردار.....

۶۳.....دسته گل کوچک.....

درباره‌ی نویسنده

خانم میترا داور در روز دهم دی ماه ۱۳۴۴ در فیروزکوه زاده شده است. او دانش‌آموخته‌ی رشته‌ی اقتصاد نوین در دانشگاه الزهراء تهران می‌باشد.

ایشان از سال ۷۴ آغاز به نوشتن کرده و کتاب‌های بسیاری را به چاپ رسانده‌اند که برخی از کتاب‌ها در شماری از جشنواره‌های برگزارشده، از بهترین‌ها شناخته و برنده‌ی جایزه نیز شده‌اند.

کتاب‌های به چاپ رسیده :

- ۱ - بالای سیاهی آهوست (از ۱۲۰ کتاب برگزیده‌ی وزرات ارشاد)
- ۲ - دل بالش
- ۳ - خوب شد به دنیا آمدی
- ۴ - صندلی کنار میز (برگزیده‌ی جشنواره‌ی یلدا و داستان «روده‌ی سگ»، برنده‌ی جایزه‌ی هوشنگ گلشیری)
- ۵ - قفسه دوم
- ۶ - جاده
- ۷ - قطار در حال حرکت است (برگزیده‌ی جشنواره‌های پروین اعتصامی و مهرگان)
- ۸ - درخت
- ۹ - آکواریوم شماره چهار

برگزیده داستان‌ها، از کتاب‌های چاپ شده‌ی زیر:

آکوارיום شماره چهار:

پوتین‌های سربازی

نمی‌تونم بکشم

جنگ جهانی سوم

بازمانده

گاو

ستاره‌ها ترسناکند

قطار در حال حرکت است:

خاله نوشا

درخت:

عینک سه بعدی

سونامی

من هفت تا برمی‌دارم

ای کاش

خلاقیت

تو نمی‌تونی هر جور بنخوای عکس بگیری

قفسه‌ی دوم:

قفسه‌ی دوم

و هنوز چاپ نشده:

آن سوی سیم خاردار

دسته گل کوچک

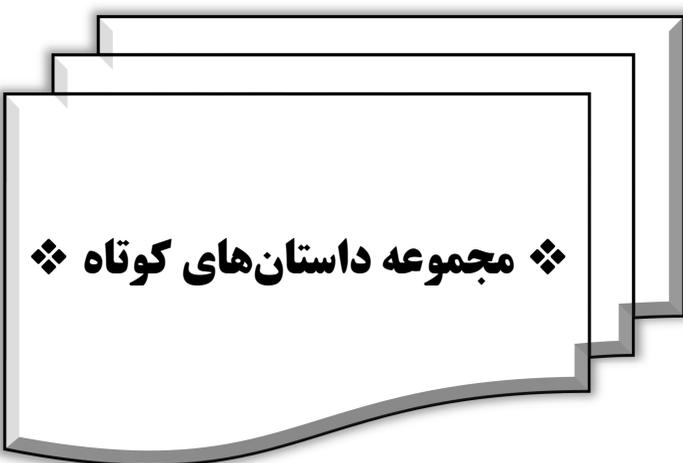
درباره‌ی بازگردان

سرکارشناس مهرپویان میرچی در روز بیست و هفتم دی ماه ۱۳۴۴ در تهران زاده شده است. او دانش‌آموخته‌ی رشته‌ی «مد و پوشاک» دانشکده‌ی هنرهای زیبای دانشگاه وین در اتریش بوده و داری گواهینامه‌ی سرکارشناسی (فوق لیسانس طراحی لباس) می‌باشد. در کنار کار آموزش مد و تکنیک‌های پوشاک، بازگردانی کتاب‌های بسیاری را (از پارسی به آلمانی و همچنین از آلمانی به پارسی) نیز در دست دارد.

کارهای ادبی - فرهنگی:

- کتاب آموزشی «زبان پیراهن» (نوآوری در پیراهن‌های مردانه)؛ نشر دانشگاهی سمت - تهران (۱۳۸۶)
- بازگردانی کتاب «زبان پیراهن»؛ به نگارش خودش - به زبان آلمانی
- بازگردانی کتاب سروده‌های خواجه‌ی شیراز «حافظ» - به زبان آلمانی (رو به پایان)

- بازگردانی سروده‌های «ارزش‌های فراموش شده»؛ خانم رزا فگندر - از آلمانی به پارسی؛ چاپ رسا فرهنگ - تهران (۱۳۹۵)
- بازگردانی نمایشنامه‌ی «همه‌ی جنگلیان‌ها شاد نیستند»؛ زیگفرید لنز - از آلمانی به پارسی (آماده‌ی چاپ)
- بازگردانی نمایشنامه‌ی «چشم‌بندها»؛ زیگفرید لنز - از آلمانی به پارسی
- نگارش و گردآوری «فرهنگنامه‌ی مد و پوشاک» - به زبان پارسی (در دست نگارش)
- نگارش کتاب آموزشی «الفبای نوآوری در پوشاک» - به زبان پارسی (در دست نگارش)
- نگارش و گردآوری «فرهنگنامه‌ی شش/۶ زبانه‌ی مد و پوشاک»؛ (در دست نگارش)



❖ مجموعه داستان‌های کوتاه ❖

پوتین‌های سربازی

سارا گفت: این عکس رو دیدین!

مهرداد گفت: از کجا آوردیش؟

سارا گفت: یکی از بچه‌ها که برادرش توی جنگ بوده... عکس

های دیدنی داشت، یه چیزی توی این پوتین‌هاست... انگار آدم خود اون سربازها رو داره می‌بینه.

شیدا دفترچه‌ی طراحی‌اش را گذاشت روی میز و گفت: ببینم!

سرش را جلو کشید و گفت: اووو... این همه پوتین!

سارا گفت: به گمون‌تون، چی می‌تونه باشه؟

مهرداد گفت: همه شون کشته شدن.

شیدا به سربازانی که دورتر روی تپه‌ای ایستاده بودند نشانه رفت

و گفت: اینجان.

سارا گفت: فکر می‌کنی پوتین‌هاشون رو در آوردن و...

شیدا عکس را گذاشت روی میز ناهار خوری و گفت: شایدم یه

رودخونه‌ای این دور و بر بوده، پریدن تو رودخونه.

مهرداد گفت: به گمونم کشته شدن.

شیدا گفت: از کجا می‌دونی؟ اینا کشته نشدن.

Die Soldatenstiefel

„Habt ihr dieses Foto gesehen!“, sagte Sara fragend.

„Woher hast du das?“, fragte Mehrdad.

„Ein Freund, dessen Bruder in Krieg war, hatte er einige interessanten Fotos. In diesen Stiefeln gäbe es eine Gefühle, damit man die Soldaten sähe.“, sagte Sara.

Sheida lag ihr Zeichenheft auf dem Tisch. „Lass mich es auch anschauen.“, sagte sie. Dann sie ihr Kopf nach vorne: „Ooohhh. . . .so viele Soldatenstiefel?“

„Nach eure Meinung nach, was könnte es sein?“, fragte Sara.

„Sie sind alle gestorben.“, sagte Mehrdad.

Sheida zeigte die Soldaten, die ganz weit und auf einem Hügel gestanden waren, und sagte: „Sie sind hier.“

„Deine Vermutung nach haben sie ihre Soldatenstiefel ausgezogen und . . .“, wollte Sara wissen.

Sheida lag das Foto auf dem Esstisch und sagte: „Vielleicht auch gab es in der Umgebung einer.“

„Meiner Meinung nach sind sie gestorben.“, wiederholte Mehrdad.

„Woher weißt du es? Sie sind nicht gestorben.“, erwiderte Sheida.

„Aber, wenn ein Soldat ins Wasser gehen will, zieht seine Stiefel nicht raus.“, sagte Sara Zögernd.

Mehrdad ging in der Küche. Er lass den Wasserkessel auf dem Kochfeld um Wasser zum Kochen zu bringen.

- „Nicht alle Förster sind froh“; Siegfried Lenz;
Übersetzung von Deutsch auf Persisch;
- „Die Augenbinde“; Siegfried Lenz; Übersetzung
von Deutsch auf Persisch; (In Bearbeitung)
- „Mode & Bekleidungswörterbuch“; auf Persisch;
(In Bearbeitung)
- „ABC des Modezeichens“; auf Persisch; (In
Bearbeitung)
- „Sechs sprachige Mode Bekleidungswörterbuch“;
(In Bearbeitung)

Übersetzer:

Herr Mag. **Mehrupyan MIRCHI** wurde am 17.01.1966 in Teheran geboren.

Er hat Modedesigner in Universität Angewandte Kunst in Wien (Österreich) studiert.

Neben seinem Beruf als Lehrer für Mode und Bekleidungstechnik beschäftigte er sich mit Übersetzungen von Persisch auf Deutsch und als auch von Deutsch auf Persisch.

Die Werke:

- Lehrbuch „Die Sprache des Hemdes“, Uni-Verlag Samt - Teheran (2007)
- Lehrbuch „Die Sprache des Hemdes“, die Übersetzung seines Buches auf Deutsch;
- „Hafez“; die Übersetzung von Persisch auf Deutsch; (In Bearbeitung)
- „Vergessene Werte“; Rosa Vogeneder; Übersetzung von Deutsch auf Persisch; Farhang Rasa Verlag - Teheran (2017)

Übersetzer

Mag. M. Puyan MIRCHI
„ Aquarium Nummer vier “

Die Soldatenstiefel
Ich kann dich nicht zeichnen
Der dritte Weltkrieg
Die Überlebende
Der Stier
Die Sterne sind ängstigen

„ Der Zug ist in der Fahrt “

Tante Nuscha

„ Der Baum “

Die dreidimensionale Brille
Tsunami
Ich nehme sieben Stück
Was wäre, . . .
Kreativität
Fotografieren

„ Das zweite Regal “

Das zweite Regal

Noch nicht veröffentlicht

Andere Seite der Stacheldraht

Schriftstellerin:

Frau Mag. **Mitra Davar** wurde am 31.12.1965 in Firouzkouh geboren.

Sie hat Betriebswirtschaft studiert. Seit 1995 schreibt sie schon.

Sie hat mehrere Bücher veröffentlicht und sogar hat sie für ihre einigen Werke Auszeichnungen bekommen.

Veröffentlichte Bücher:

1 – Über schwarze Farbe ist Reh (ausgewählte Werke von 120 des Bestes Buch in Ministerium für Kultur „Erschad“)

2 – Sei Herz

3 – Schön, dass du geboren bist

4 – Ein Stuhl neben dem Tisch (Parvin-Auszeichnung und Mehregan-Auszeichnung)

5 – Das zweite Regal

6 – Die Bergstraße

7 – Der Zug ist im Fahrt (Yalda-Auszeichnung und Golshiri-Auszeichnung)

8 – Der Baum

9 – Der Aquarium Nummer Vier

Tante Nuscha

Mitra DAVAR

Puyan MIRCHI